

معنی لغت‌های مهم درس

آخره:	چنبره گردن، خرخره	بیرنگ:	طرح اولیه، پیرنگ
خلف صدق:	جانشین راستین	رندانه:	زیرکانه
کله:	برآمدگی پشت پای اسب، ماهیچه پا	غارب:	میان دو کتف، شانه
گرده:	پشت، بالای کمر	گرته ریختن:	طرح انداختن، کشیدن
مخمصه:	بدبختی، گرفتاری	مشوش:	آشفته و پریشان
وقب:	فروریختگی، گودی چشم	نقطه چینی:	طرح اولیه را با نقطه به هم وصل کردن

معنی عبارتهای مهم

معلم دور نبود، صورتک به رو نداشت.
 معلم صمیمی بود، ریاکار و دو رو نبود.
 کارش نگار نقشه قالی بود و در آن دستی نازک داشت. نقش بندی‌اش دلگشا بود و رنگ را نگارین می‌ریخت.
 کارش کشیدن نقشه قالی بود و مهارت خاصی در آن داشت. نقاشی‌اش زیبا بود، رنگ را هنرمندانه به کار می‌برد.
 سگ را روان گرته می‌ریخت؛ اما در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود.
 سگ را راحت طراحی می‌کرد اما در کشیدن اسب مشکل داشت.
 ما را به رونگاری آن می‌نشانند و خود به نقطه چینی نقشه خود می‌نشست.
 ما را به کشیدن از روی آن طرح موظف می‌کرد و خودش به وصل کردن نقطه‌های طرح اولیه در نقشه مشغول می‌شد.
 پی بردیم راه دست خودش هم نیست.
 فهمیدیم که خودش هم در این کار مهارت ندارد.

قلمرو زبانی

۱- سپهری، برای کلمه «نقاشی کردن» از چه معادل‌های معنایی دیگری استفاده کرده است؟
 کشیدن، رقم زدن، بستن، گرته ریختن، صورت دادن.

۲- برای هریک از موارد زیر، یک مترادف از درس بیابید.

- برآمدگی پشت پای اسب (کله)
- چنبره گردن (آخره)
- میان دو کتف (غارب)

۳- از متن درس، چهار واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

صورتگری، صدق، وقب، غارب، مخمصه، رعنا

۴- نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

«صاد» هرگز جانوری از پهلو نکشید.

نهاد قید مفعول متمم

۵- به کاربرد حرف «و» در جمله‌های زیر توجه کنید:

الف) زندگی و سفر مانند هم هستند.

ب) در طول زندگی، سفر می‌کنیم و در سفر هم زندگی می‌کنیم.

«و» در جمله «الف»، دو یا چند کلمه را به هم پیوند داده است؛ به این نوع «و»، «**واو عطف**» می‌گویند.

«و» در جمله «ب»، دو جمله را به هم ربط داده است. به این «و» که معمولاً پس از فعل می‌آید و دو جمله را به هم می‌پیوندد، «**نشانه ربط یا پیوند**» می‌گویند.

■ اکنون از متن درس، برای کاربرد هر یک از انواع «و»، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

واو عطف: زنگ نقاشی دلخواه و روان بود. - **صاد معلم** ما بود آدمی افتاده و صاف.

نشانه ربط یا پیوند: نقش‌بندی‌اش دلگشا بود و زنگ را نگارین می‌ریخت. - **کارش نگار** نقشه‌قالی بود و در آن دستی نازک داشت.

تمرینات ادبی

۱- در کدام قسمت از این متن، می‌توان نشانه‌های شاعری نویسنده را یافت؟ معلم، مرغان را گویا می‌کشید؛ گوزن را رعنا رقم می‌زد؛ خرگوش را چابک می‌بست؛ سگ را روان گزته می‌ریخت.

۲- دو نمونه از ویژگی‌های بارز این نوشته را بنویسید.

جملات ساده، کوتاه با زبان صمیمی و شاعرانه و استفاده از اصطلاحات و کنایه‌های عامیانه.

۳- دو کنایه در متن درس پیدا کنید و مفهوم آنها را بنویسید.

در **بیرنگ اسب حرفی به کار بود**. ← مهارت نداشت.

پی‌بردم راه دست خودش هم نیست. ← خودش هم مهارت ندارد.

در **نگار قالی دستی نازک داشت**. ← استادی و مهارت داشت.

تمرینات فکری

۱- از نظر نویسنده، کلاس درس نقاشی در مقایسه با کلاس درس‌های دیگر چه ویژگی‌هایی داشت؟

دلخواه و روان بود - خشکی نداشت - خنده در آن جایز بود - کلاس خیلی جدی گرفته نمی‌شد - معلم صمیمی و مهربان بود.

۲- معنی و مفهوم هریک از عبارت‌های زیر را بنویسید.

■ **خَلَفَ صدق** نیاکان هنرور خود بود. **پیرو واقعی و جانشین** راستین استادان (پدران) نقاشی پیش از خود بود.

■ **اسب از پهلوی خود را به کمال نشان می‌داد**. **کشیدن اسب از پهلوی** (نیم‌رخ) زیباتر بود و تناسب اندام اسب را بهتر نشان می‌داد.

۳- معلم در کشیدن چه قسمتی از اسب مشکل داشت و برای حل مشکل خود چه چاره‌ای اندیشید؟ **کَلَه** پاها به همراه سب اسب، اسب را تا زانو در علف نشاندد.